

مخمصه اصغر کریمی و فاشیست های کرد!

کمیته کردستان حزب ما، حزب حکمتیست ها، در جریان اعتراضات اخیر مردم شهرهای کردستان ایران علیه جمهوری اسلامی، در تاریخ ۹ مرداد ماه ۱۳۸۴ اطلاعیه ای صادر کرد و در آن درمورد تحركات گروههای قومی کرد به مردم شهر سنندج هشدار داد و از مردم این شهر خواست که در تظاهرات ها و حرکات اعتراضی خود از شعارها و فراخوان های این گروهها تبعیت نکنند.

متن این اطلاعیه هنوز در آرشیو سایت اکتبر و سایت ایران تلگراف هست، هرکس مایل باشد میتواند به آن مراجعه کند. این هشدار ما، با دنیای پوپولیسم بدوی اصغر کریمی یکی از اعضاء رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران جور در نیامد، وی را دچار مخمصه کرد و فاشیست های کرد نیز چنانکه عادت آنهاست علیه ما نفرت و جهالت قومی قورت دادند. قضیه از چه قرار است؟ چرا این هشدار ما همزمان هم اصغر کریمی و هم فاشیست های کرد را به مخمصه میاندازد؟ و چرا اصغر کریمی در دفاع مجدد از سیاستهای دنباله روانه حزب خود از هر تحرك قومی وهخائی به جعل اطلاعیه ما پناه می برد؟ برای توضیح این مساله باید چند روز به عقب برگردم.

در جریان اعتراضات اخیر مردم شهرهای کردستان ایران بویژه در شهرهای شمالی آن ما مرتبا درمورد توطئه های جمهوری اسلامی به مردم این شهرها هشدار میدادیم، همچنین از مردم انقلابی کردستان میخواستیم که اجازه ندهند به مبارزه و اعتراض آنان رنگ قومی و محلی بزنند و حتی مواردی از زورگویی موتور سواران نقاب دار به مردم نیز به ما گزارش میشد که می بایستی مردم را به مقاومت در مقابل آنان نیز فرا بخوانیم. در این گیرودار نامه ها و فراخوان هایی با خواستهها و

محتوای بشدت قومی و بدون امضاء از طرف گروههای قوم پرست کرد بویژه "پژاک" شاخه ای از سازمان فاشیستی پ.ک.ک که تا دیروز دستش در دست سران جنایتکار جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان ایران بود و تظاهرات چند سال پیش مردم سنندج علیه جمهوری اسلامی را کار عوامل صهیونیسم می نامید، پخش شده بود و در آن از مردم سنندج خواسته شده بود که در پارک استقلال این شهر تظاهرات کرده و آرم هایی با نقشه کردستان بزرگ را بر سینه خود بزنند. ما به مردم شهر سنندج در این مورد هشدار دادیم و از مردم انقلابی این شهر خواستیم که به این فراخوان ها جواب ندهند. از آنان خواستیم که در تظاهرات ها و حرکات اعتراضی خود علیه جمهوری اسلامی که فی الحال در جریان بود، گروههای قوم پرست کرد را با شعارها و فراخوان هایشان منزوی کرده و به حاشیه برانند. به مردم سنندج گفتیم که از فراخوان گروههای قوم پرست کرد تبعیت نکنند که خوشبختانه نکردند. گفتیم خواست گروههای قوم پرست کرد خواست ما نیست، گفتیم فراخوان آنها فراخوان ما نیست. گفتیم مبارزه مردم شهر سنندج و دیگر شهرهای کردستان ایران بخشی از مبارزه دیگر مردم سرنگونی طلب در سراسر ایران برای آزادی و برابری و سرنگونی جمهوری اسلامی است. گفتیم سنندج جولانگاه جریانات فاشیستی و قومی نیست. گفتیم مردم سنندج نباید اجازه دهند که گروههای قوم پرست به مبارزات ما برای آزادی و برابری رنگ قومی و فاشیستی بزنند، که اجازه ندادند.

میشود سوال کرد کجای این کار ما ایراد دارد؟ فاشیست های کرد بجای خود، هشدار ما به اصغر کریمی نیز آنقدر گران می آید که همراه آنها خشم خود را علیه ما بیرون میریزد! میشود پرسید چرا اصغر کریمی علیه ما خود را در کنار قوم پرستان کرد می یابد و خود را در مخصصه گرفتار میکند؟ جواب این سوال را باید در خصلت سیاسی و فکری سنتی یافت که رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران آن را نمایندگی میکند، که مختصراً به آن اشاره خواهیم کرد. اما قبل از این اشاره کوتاهی به سیاست احزاب و گروههای قومی و فاشیستی کرد که اینجا بخشا مورد نظر من است، خواهیم کرد.

از رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران انتظاری جز دست بردن به انبان فرهنگ عقب مانده ویژه آنان را نباید داشت. استفاده از الگوهای قومی و فاشیستی، دست بردن به عقب افتاده ترین تعصبات، از جمله باد زدن عرق قومی آدمها، روش و سنت سیاسی آشنا و شناخته شده اینها در مبارزه سیاسی است. از دست دادن جان یک انسان در مبارزه برای آزادی و برابری و علیه جمهوری اسلامی در کردستان طبق سنت و شیوه اینها زیر تیتر یک "کرد" کشته شد نام میگیرد. دستگیر شدن یک انسان در راه آزادی و مرگ بر جمهوری اسلامی در سنت اینها یک "کرد" دستگیر شد نام میگیرد. اینها مردم کردستان را به رقص و پایکوبی برای رئیس دولت شدن روسای ناسیونالیست کرد، که حتی در همکاری با جمهوری اسلامی علیه این مردم وارد جنگ شده اند و از این مردم

کشته اند، نیز دعوت میکنند. تفنگچی های اتحادیه میهنی تظاهرات حمایتی مردم شهر سلیمانیه را در دفاع از اعتراضات اخیر مردم شهرهای کردستان ایران علیه جمهوری اسلامی را با ضرب و شتم و تیراندازی هوایی پراکنده کردند، فردا همین قوم پرستان کرد اگر مصلحتشان ایجاب کرد برای رئیس همین تفنگچی ها به مناسبت دیگری مردم شهرهای کردستان ایران را به رقص و پایکوبی فرامیخوانند. این را مصلحت سیاسی و منافع حزبی و جنبش سیاسی ای که به آن تعلق دارند ایجاب کرده و ایجاب میکند. اینها شیوه ها و سنت سیاسی قوم پرستان در کردستان، در ایران و در کوسوو و در هر جای دیگر دنیا در مبارزه سیاسی است. بنابراین، عکس العمل آنها در مقابل هشدار ما به مردم انقلابی کردستان و در مقابل تعرض سیاسی ما به آنها دور از انتظار نبوده و نخواهد بود. وظیفه ما حکمتیست ها هم در مقابل اینها و اردوی راست جامعه همواره این بوده و هست که از مردم انقلابی بخواهیم که نیروی ذخیره آنها نشوند و خود، توده کارگر و دیگر مردم انقلابی را برای درهم کوبیدن جمهوری اسلامی با سنت و پرچم کمونیستی و کارگری بسیج و سازمان دهیم.

اما در مورد رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران که زمانی مبارزه علیه توهمات پوپولیستی در صفوف حزب کمونیست کارگری ایران جزو الفبای مبارزه بود. رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران که "عاشق" دنبال رویی صرف از هر حرکت خودبخودی است، مهم نیست تحت چه پرچم و چه فراخوانی، رهبری که برایش خیابان مهم است نه پرچم، به ناچار خود را در کنار نیروهای راست جامعه و حتی گروههای قوم پرست و فاشیست می یابد و همانطور که ناچار از هشدار ما به مردم ایران در مورد "هخا"، از هشدار ما به مردم انقلابی کردستان در مورد گروههای قومی نیز، بر آشفته میشود. رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران به خاطر نقد ما از پوپولیسم و دنباله روی صرف این حزب از حرکات خودبخودی و از انقلاب سواری این حزب و نقد ما از قاطی شدن این حزب با هر جنبش و هر حزب و هر جریان راستی با این استدلال که علیه جمهوری اسلامی است، کنترلش را از دست داده است. دانش در میاید اگر ما به توده کارگر و دیگر مردم انقلابی در کردستان و در هر جای دیگر ایران بگوییم که در مبارزه برای بزرگ کردن جمهوری اسلامی نباید دنبال شعارها و فراخوانهای راست جامعه و گروههای ناسیونالیست و قومی و فاشیستی رفت، بلکه باید زیر پرچم آزادی و برابری برای درهم کوبیدن جمهوری اسلامی بسیج شد. بویژه در شرایط سیاسی حساس فعلی که جدال راست و چپ جامعه بر سر رهبری جنبش سرنگونی طلبی با گسترش حرکات اعتراضی مردم مدام تشدید میشود و راست جامعه بیشتر از هر زمانی برای حاکم کردن پرچم خود بر آن تلاش میکند. ما داریم به مردم شهر سنج و دیگر شهرهای کردستان ایران در مورد گروههای قومی بویژه سازمان فاشیستی "پژاک" که دارد از مبارزه مردم آزادیخواه کردستان ایران برای گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی و سازش مجدد آن با پ.ک.ک استفاده میکند و فردا

بعنوان مزدور جمهوری اسلامی علیه مبارزه همین مردم وارد میدان میشود، هشدار میدهیم، پوپولیسم بدوی اصغر کریمی علیه ما، حکمتیست ها، تحریک میشود.

آیا یک حزب سیاسی کمونیستی نباید به مردم بگوید که کجا باید وارد عمل شوند و کجا نباید وارد عمل شوند؟ زیرهر شعار و هر پرچمی ولو راست و قومی، مردم باید به خیابان بیایند؟ یادش بخیر زمانی کمونیستهایی بودند که به کارگران میگفتند امروز قیام نکنید، صبر کنید تا وقتش برسد! طنز تلخ این است که عده زیادی از رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران انقلاب ۵۷ یادشان است، یادشان است که هر چپ و کمونیستی را که میگفت مردم دنبال خمینی نروید، اسلامی ها با اتهام لیبرال و ساواکی از میدان بدر میکردند. ۲۶ سال حاکمیت فاشیسم اسلامی در ایران را دیده اند. حتی رویدادهای کردستان عراق در جریان جنگ اول خلیج در سال ۱۹۹۰ نیز یادشان است. و در تاریخ نیز خوانده اند که در خیلی از مقاطع تاریخی راست جامعه توانسته است سوار بر موج مبارزه و اعتراض توده کارگر و دیگر مردم انقلابی حرکت اعتراضی آنان را زیر سیطره خود بگیرد. بزعم رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران و با وجود این تجارب، ظاهرا این بار نیز باید اجازه داد که دوباره جریان راست و فاشیستی دیگری بر حرکت انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی سوار شود.

این رهبری یک روز روی اسب "هخا" می پرد تا به سوسیالیسم خود برسد. یک روز سوار بر اسب "الاحواز" میشود تا به سوسیالیسم خود برسد. روزی روی اسب "ما همه گنجی هستیم" می پرد تا سوسیالیسم اش را بپا خیزاند و امروز نیز از هشدار ما به قوم پرستان کرد که ظاهرا قرار است سوسیالیسم شان را به ترک اینها ببندند، دانش درآمده است. معلوم نیست یک سازمان کمونیستی چطور اجازه دارد اینهمه ترک اسب راست بنشیند و جامعه به را سوسیالیسمش برساند؟ جنبه

خطرناک قضیه این است که رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران اینها را به نام منصور حکمت انجام میدهد. رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران نه "فقط دو گام به پس" منصور حکمت که همه آثار منصور حکمت را نیز زیر خاک کرده است. یادشان رفته است که منصور حکمت میگفت "اگر در جنبش لیتوانی (بعد از فروپاشی اردوگاه شرق)، شوراها کارگری لیتوانی با شعار حکومت کارگری نیز شرکت کنند باعث نمیشود که من از این جنبش حمایت کنم". من هواداران ساده حککا را فرامیخوانم به "فقط دو گام به پس" در سایت منصور حکمت مراجعه کنند.

این رهبری اما با همه ارادتی که در مقابل شعارها و فراخوانهای راست جامعه از خود نشان میدهد وقتی چپ جامعه بحرکت در میاید زمین گیر میشود و قبل از اینکه به شعارهایی که به منافع پایه ای مردم و حقوق مدنی آنان لطمه میزند فکر کند، به خرده حساب های حقیرانه و مرزبندی های غیر سیاسی با ما روی میآورد. آیا اعضاء این حزب نباید از رهبری شان سوال کنند که چرا به محض

اینکه "هخا" و "الحواز" و "گنجی" وارد میشوند فوراً روی اسب آنان می پرند اما هنگامی که کومه له و بعداً ما به مردم کردستان فراخوان اعتصاب عمومی دادیم در جای خود یخ کردند؟ چرا فوراً به فراخوان راست جامعه "لبیک" میگویند اما در مقابل فراخوان چپ جامعه سکوت میکنند؟ چرا براست جامعه می پیوندند اما به چپ جامعه نه؟ رهبری جدید حزب کمونیست کارگری تا شنبه ۱۵ مرداد ماه صبر کرد، میدانستند که روز یک شنبه ۱۶ مرداد ماه بعنوان روز اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان ایران از ۱۱ مرداد ماه اعلام شده بود. اطلاعیه کذایی رهبری حزب کمونیست کارگری شب روز ۱۵، یعنی ۶ اوت در سایت آنها، قرار گرفت که محتوای آن اینجا مورد بحث من نیست. سوال من از اعضاء این حزب این است که آیا نباید در مورد این تناقض از رهبری خود سوال کنند؟

و کلام آخر:

دوستان عزیز، این تناقضات، این دنباله روی صرف از حرکات خودبخودی و این دوییدن های رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران بدنبال راست جامعه دلیل دارد، دلیل سیاسی و فکری. اینها به کمونیسم کارگری منصور حکمت هیچ ربطی ندارند. اینها سیاست و سنت یک جنبش دیگر است، سنت آشنای پوپولیستی است که در مقابل راست جامعه بی حفاظ است، اما در مقابل کمونیسم منصور حکمت گارد دارد. این جنبش و این سنت طول و عرض دارد، سه منبع و سه جزء دارد، موقعیت و جایگاه سیاسی معینی در فضای سیاسی ایران دارد که شرح آن در این نوشته نمیگنجد و باید بعداً در مورد آن مفصل تر صحبت کرد.

۱۳ اوت ۲۰۰۵